



تادائوس روپک در نمایشگاه فیاک پاریس مقابل اثر فرهاد مشیری، عکس بر شرق

«**تادائوس روپک**» سومین گالری‌دار برتر اروپا در گفت‌وگو با «شرق»:

کار هنرمندان ایرانی، شبیه رعد و برق است



پروویز براتی

بعدازظهر نیمه‌ایر اکتبر با آب‌هوای اقیانوسی، موعد هم‌صدایی با هنردوستانی بود که صف طولانی‌شان تا کنار میدان «شارل دوگل» کشیده شده بود. با ارایه کارت مخصوص خبرنگاران شرکت‌کننده در فیاک، از صف چندصدنفری خلاصی یافته و وارد «گران‌پاله» شدیم. همه‌ساله ساختمان زیبا و مجلل گران‌پاله، میزبان نمایشگاه بین‌المللی سالانه پاریس مشهور به فیاک (FIAC) است؛ نمایشگاهی که سال ۱۹۷۴ شروع به کار کرد و از سال ۲۰۰۶ محل اصلی آن گران‌پاله بوده. فیاک به‌عنوان یک نمایشگاه مهم هنری از اصلی‌ترین مکان‌های گردهمایی گالری‌داران، مدیران موزه‌ها، مدیران موسسات بین‌المللی حراج و شخصیت‌های بین‌المللی دنیای هنر است. این سالن زیبایی سبک «آرتنو (Art Nouveau) در سال ۱۹۰۰ ساخته شده؛ با این حال همواره محل نمایش هنر پیشرو و جنجالی معاصر بوده است. این نمایشگاه در دوره اخیر خود میزبان آثار هنرمندان مطرحی چون جوزف بویز، مارلنا اپرامووچ، فرانچسکو کلمنته، گرهارد ریشتر، گیلبرت و جورج، الکس کاتز، انسلم کيفر، رابرت لوتگو، مارک کوپین و آندی وار هول بود. غیبت گالری‌های ایران را در این نمایشگاه، چند گالری مطرح بین‌المللی جبران کردند؛ آن‌هم با نمایش آثاری از حدود ۱۰ هنرمند ایرانی. تادائوس روپک، یکی از این گالری‌ها بود. این گالری که با بیش از ۵۰هنرمند مطرح معاصر همکاری می‌کند، در فیاک ۲۰۱۳ آثار ۱۰هنرمند را به نمایش گذاشت که فرهاد مشیری، یکی از آنها بود. «روپک» برای ایرانی‌ها نامی آشناست؛ چراکه طی سال‌های گذشته نمایشگاه‌های متعددی از هنرمندان ایرانی در گالری‌اش برپا کرده. گالری او، از مهم‌ترین گالری‌های فرانسه

و سومین گالری مهم اروپاست. این گالری سال ۱۳۸۷ آثار ۱۷ ایرانی را به نمایش

گذاشت که بااستقبال بالایی روبرو شد. با «روپک» در پاریس و در حاشیه نمایشگاه فیاک به گفت‌وگو نشستیم.

آ فضای تبادلات آثار هنری را در سال ۲۰۱۳ چگونه می‌بینید؟

حراج‌های مختلف در همه بخش‌ها وضع مناسبی نداشتند. در ساتیرو وقتی، سطح فروش هنر معاصر بالا رفت، و از ۱۳۰به۱۴۸میلیون‌دلار رسید، معلوم شد تقاضا برای آثار فرانسیس بیکن بیشتر از آنچه بود که در حراج ۲۰۰۸ در اقت بازار رخ داد. درواقع به‌نظر می‌رسد هیچ‌گونه فقدان قدرت خرید بین‌المللی وجود ندارد بلکه حراج‌ها با چالش‌ آرایه اثر بزرگ در هر فصل مواجه هستند. خریداران از آثار کلکسیون‌های خصوصی استقبال می‌کنند، مثل گروه هفت‌تایی نقاشی‌های «پیکاسو» از کلکسیون استنلی اسپنگر.

آ و گالری «روپک» چه برنامه‌هایی در این زمینه داشت؟

گالری ما بیشتر روی شرکت در نمایشگاه‌های هنری متمرکز بود. طی این سال تلاش کردیم پروژه‌های زیادی را به سامان برسانیم. ماه اکتبر ۲۰۱۳ چند نمایشگاه فروش مهم برگزار شد که یکی از آنها بازار هنری بین‌المللی فزیه (Frieze) با تمرکز بر هنر معاصر بود که در لندن برپا شد. این نمایشگاه مهم هر سال در ماه اکتبر توسط انشان مجله فزیز برگزار می‌شود. بازار هنری فزیز با برنامه‌های متنوعش نشان داده که فقط مکانی برای پول درآوردن نیست؛ چراکه در آن برنامه‌هایی چون گفت‌وگو، اعطای جایزه کار تیه، اجرای موسیقی، نمایش فیلم و آموزش انجام می‌شود. چند هفته قبل از آن هم، گالری ما در بازار بین‌المللی «مبلی» حضور داشت. آرت بازل سوئیس هم، عرصه مناسب دیگری برای حضور گالری ما در بازار هنر اروپا بود. آنچه در این نمایشگاه‌ها بیشتر بر آن تمرکز داشتیم

تجسیمی

«هنر جدید (new art)» بود، به این قصد که مخاطبان علاقه‌مند بدانند هنرمندان بین‌المللی الان مشغول چه کارهایی هستند. ما همواره علاقه نشان می‌دهیم که به طور ویژه به کار هنرمندان جدید بپردازیم. در فیاک پاریس هم آثار مختلفی از ۱۴۲هنرمند را به نمایش گذاشتیم که فرهاد مشیری یکی از آنها بود. او نقاشی جدیدی عرضه کرده بود با نام «چرخش» که در ابعاد ۱۷۱در ۱۴۸سانتی‌متر با تکنیک «منجوق روی بوم» اجرا شده است. در فیاک، ترکیبی از کارهای هنرمندان جدید و قدیم را در کنار هم نمایش دادیم و البته شاهد حضور هنرمندان کارگشته نیز بودیم. مجموعه‌داری با نام «سیگما بولکه» کارهایش را در اختیار قرار داده بود؛ از «گرهارد ریشتر» نقاشی‌های جدیدی ارایه کردیم. برای اولین‌بار در فیاک موفق شدیم روی هنرمندان جدید و در حال ظهور نیز کار کنیم. از اتریش یک هنرمند جوان به نام نیک اوبانالا را معرفی کردیم که آثارش بین چهار تا پنج‌هزار یورو ارزش داشت. اثر بولکه را هم دو میلیون‌دلار فروختیم. در واقع شاهد طیف متنوعی از قیمت‌ها و همچنین نوع کارها بودیم.

آ عده‌ای معتقد بودند نمایشگاه اخیر «فیاک» در مقایسه با نمایشگاه «فریز» لندن چندان قوی ظاهر نشد. نظر شما چیست؟

به‌نظرم فیاک طی سال‌های گذشته مسایلی کوچکی که پیش‌رو داشت از مقابل خود برداشت و سال ۲۰۱۳ بسیار قوی‌تر ظاهر شد. طی چند سال گذشته به‌طور ویژه بیشتر روی هنرمندان فرانسو و بلژیک تمرکز داشت، اما سال ۲۰۱۳ کاملاً در قدامت بین‌المللی ظاهر شد و مجموعه‌دارانی از تمام جهان در آن حضور داشتند. از آسیا به‌ویژه چین شاهد حضور پر بار گالری‌داران و مجموعه‌داران بودیم.

آ نقش هنرمندانی چون فرهاد مشیری را که با شما همکاری مستمر دارند در هنر معاصر جهان چگونه می‌بینید؟

فرهاد مشیری بیش از ۱۰اسال است که آوازه‌ای بین‌المللی پیدا کرده. با پس‌زمینه‌های ایرانی که دارد، با زبانی متفاوت در نمایشگاه ما در فیاک پاریس حضور داشت. او توانسته خود را به‌عنوان هنرمندی از ایران در اروپا تثبیت کند؛ ضمن اینکه به‌خوبی توانسته با هنر جهان ارتباط برقرار کند. آثار او در آمریکا، آسیا، دنیای عرب و استانبول نگهداری می‌شود. او چهره شناخته‌شده بین‌المللی است و قابلیت‌های فراوانی دارد و از اقصی‌نقاط جهان از او برای برپایی نمایشگاه، دعوت می‌شود. ما بیش از چندین سال است که با او کار می‌کنیم و در نمایشگاه آتی که بهار در اتریش برپا می‌شود نیز حضور خواهد داشت.

آ کار دیگر هنرمندان جوان ایرانی را چطور می‌بینید؟

در خشان و علی‌مادر سال ۲۰۰۸ نمایشگاهی با عنوان «رعد و برق» برپا کردیم که طی آن آثاری از ۱۷هنرمند جوان ایرانی به نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه مروری بر توانمندی هنرمندان جوان ایران در رشته‌های مختلف بود که تنوع و چندگانگی موجود در رویکرد هنرمندان معاصر این کشور را نشان می‌داد و عنوان «رعد و برق» کاملاً زبینه‌اند آن نمایشگاه بود. هنرمندان ایرانی با هنرشان در عالم هنر رعد و برق ایجاد می‌کنند!

آ نگاه‌ها به وضعیت تازه هنرمندان ایرانی در گستره بین‌المللی چیست؟

از زمان برپایی حراج کریستیز در دویی در سال ۲۰۰۶ و همچنین حراج‌های موسسه ساتیرو در دوحه، هنر خاورمیانه بیش از پیش در معرض دید جهانیان قرار گرفته و دنیای هنر شاهد درخشش هنرمندان ایرانی و عرب بوده است. فکر می‌کنم علاقه بین‌المللی به آثار هنرمندان خاورمیانه و خصوصاً ایرانی‌ها و عرب‌ها رو به رشد است و این موضوع خیلی مهمی است؛ چون بسیاری از این هنرمندان طی دهه‌های گذشته فرصت ارایه آثار خود را در عرصه جهانی نداشتند. قطعا در آثار هنرمندان ایرانی رگه‌هایی از کیفیت و عظمت است که اینچنین مورد تحسین و توجه منتقدان، کارشناسان، مجموعه‌داران و خریداران آمریکا، اروپا و سایر نقاط دنیا قرار گرفته است. در هفت‌سال گذشته مارکت هنر خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد نوسازی تمام‌عیار بوده است. ثبت رکوردهای بالای فروش از سوی هنرمندان در حراج کریستیز دویی، گویای این واقعیت است.

آ برای ارایه آثار ایرانیان در آینده برنامه خاصی ندارید؟

برنامه‌های زیادی داریم. نمایشگاه فرهاد مشیری در اسر استورگ فرانسه و همچنین نمایشگاه ویژه‌ای از علی بنی‌صدر در پاریس را در نظر داریم.

لانگ شات

درباره نمایشگاه عکس جواد مولانیا

هنر؛ پرهم‌زدن قطعیّت



سیدامیر

سقراطی

جواد مولانیا با عکس‌هایش پیش از آنکه «طبیعت‌نمایی» کند، خود را ن‌زد بیننده کنجکاوش فاش به تماشا می‌گذارد؛ آثارش از مسیر قسمی عکاسی «سهل‌انست» می‌گذرد اما به همان میزان متنوع و دشوار جلوه می‌کند. فاش گوییِ هنرمند در این تصاویر نگاه او به پدیده‌ها و رخدادهاست که می‌تواند تنها به طبیعت و اشیاء که به تمام هستی تعمیم‌یابد.

در طبیعت‌نگاری، آنچه که درخت یا سنگ موضوع است، همواره خودنمایی سوزه حرف اول را زده است، اما مولانیا در طبیعت‌نگاری‌هایش از نمایش اینچینی سرپاز می‌زند؛ سایه‌ها، نمایی از «وجه سوزه هستنده؛ بازتاب موجودیت چیزی هستند که به‌طور کامل در اثر دیده نمی‌شود و سسوزه اصلی به جای موقعیت اول در موقعیت دوم دیده‌شدن قرار می‌گیرد و با این‌کار هر آنچه در عکس هست قابلیت دیده‌شدن و در نتیجه تفسیرشدن می‌یابد.

هنرمند با نگاهی گزینشی از طبیعت پیش‌رو، کار کردی نمادین به سایه‌ها می‌دهد و از حدود زیباشناسی بصری خط و فرم می‌گریزد و معنایی عمیق‌تر را در پیش‌روی مخاطب می‌گستراند. این‌ن نگاه هنرمند، دقیق‌شدن وی در ماهیت هستی است که هر چیزی را می‌توان با ملاحظه‌ای از رفتارش به تصویر کشید، نمایش داد و تماشایی کرد. دیدن فقط یک درخت و سایه‌اش، دیدن سایه و نیمه‌سایه و اقبایی زمستانی نیست؛ اندیشه و رفتار هنرمندی را هویدا می‌کند که به پدیده‌ها با نگاهی عمیق‌تر می‌نگرد و آن را از ثبت یک لحظه به رفتاری از یک شخصیت بدل می‌کند.

عکس‌ها در ترکیب‌بندی، عناصر بصری متنوعی را به قاب‌ها متصل می‌کنند اما همچنان نگاه بیننده به ادامه تصویر در بیرون کادر (چنانچه رولان بساتر به آن نظر دارد) بسوق داده نمی‌شود بلکه هرچه هست باید در داخل همین کادر جُسته شود. در کارهایش با کاربندی، بیننده را به جایی سوق می‌دهد که گویی عکاس در محل عکاسی حضور ندارد، گویی پنجره‌ای است‌رو به بیرون و برای تماشا‌ی هر آنچه در بیرون است به همین میزان از اطلاعات مختصر باید بسنده کرد.

پیش‌تر شنیده‌ایم که عکاسی از یک درخت، طبیعت یا بناهایی قدیمی همچون معماری گذشته ایران مانند مسجد شیخ‌لطف‌الله یا تخت‌جمشید و… اغلب چیز نوبی در خود ندارد؛ زیرا درخت، بنا یا طبیعت، بر عکاس یا نقاش چیرگی می‌یابد و قطعیت خود را به هنرمند تحمیل می‌کند. کار متفاوت مولانیا در اینجا چیرشدن بر طبیعت و برهم‌زدن قطعیت طبیعت است، چنانچه در کارهای قبلی‌اش قطعیت شکوه معماری گذشته را برهم‌زود بود. علاوه‌کردن نگاه خویش بر قطعیت پدیده‌ها، همان نوجویی و جست‌وجوی عکاس است که در این عکس‌ها دیده می‌شود. گویی وظیفه اصلی هنرمند طی دوران همین باشد که قطعیت هستنی و تسلط‌ش بر زیستن را در تکه جایی محدود به نام اثر هنری برهم بزند!

در مجموعه‌های قبیل‌تر از این هنرمند، همین دقت در کادربندی، کوچک‌کردن هستی در دیتیلی از نگاه هنرمند و بازتاب موجودیت سایه‌گون آن هستی همچنان دیده شده است و این توالی نگاه هنرمند است که در عکس‌های جدید، جدیت وی را در ارایه رویکردش تنها در ماهیت بصری آثار که در نگاه به هستی و پیرامون هنرمند هویدا می‌کند.



مکعب سفید

نگاهی به نمایشگاه «گره»

فرا تر از مرز

رسول معرکت‌زاد

نمایشگاهی با عنوان «گره» با آثاری از لاله آبتی، سایه ابراهیمی، مولود اتنی‌عشری، مریم توکلی، پریسا رجیبیان و نوشین نفیسی تا‌نهم‌بهمن در گالری آپادانای اصفهان برگزار شده است.

«گره» بخشی از مفهوم زندگی با دو وجه متضاد و جمع اضداد، از سویی بازشونده و رهایی‌بخش و همچنین بیانگر گرفتاری، اسارت، بحران و مرگ است. به گونه‌های هم جداکننده و هم وصل‌شونده است. گره روی طناب و ریسمان ضمن اینکه جداکننده است، به خودش گره خورده و همچنان متصل به اصل خویش است. گره، گاه قطعی‌ای را به قطعی‌ای دیگر می‌پیوندد همانند اتصال بندهای نی و گاه نمایشگر نیروهای حبس‌کننده است. گره، مشخص‌های از رهایی و آزادی از حبس است و هم بیانی از پیوند تقدیر انسان به سرنوشت اوست، گره از واگانه‌ای است که در اصطلاحات روزمره و مُثَل‌های عامیانه و ادبی ایران بسامد بالایی دارد و هر صنف، کار و شغلی نسبت به زمان و مکان خود از گره، تعبیر و معنایی را مستفاد می‌کند. «گره از کار کسی گشودن» تا «گره بر پیشانی و ابرو انداختن» و گاه گره به آیین پیوند می‌خورد آنگونه که گره بر سبزه می‌افکنند یا به‌عنوان دخیل بر میله‌های ضریح و سقاخانه می‌بندند. در میان آثار هنرمندان، گر‌ها از پیوند طناب، نخ و پارچه پدیدآمده‌اند و در هر اثر، معنای خود را یافته است. در اثر «نوشین نفیسی» گر‌ها در دو پلان (لت) با بیان نمادینی از زندگی پیشاتولدی وجود دارند. درون یک قاب پیوسته که ترکیبی از ۲۰ قاب کوچک‌تر است و نمایشگر زندگی جنینی که در هر قاب سایه‌واری که روشن شده‌اند، به سوی تولد خود در حرکت‌اند. در پلان دوم، گر‌ها به هم پیوسته‌اند از بالا به پایین و از پایین به بالا. گر‌ها از پایین به سمت بالا از هم گشودتر شده‌اند و از طرفی از بالا به پایین در هم‌تنیده‌تر، رابطه‌ای دو سویه از زندگی و مرگ که خوشبینانه‌اند زیرا در نور پدیدآمده‌اند، بازتاب زندگی قبل از تولد و ادامه آن در فراسوی مرگ. در اثر پریسا رجیبیان گر‌ها جداگانه بر هر قاب رشمه‌نموده‌اند. هنرمند اشاره به «گر‌بازی» دارد و این در حالی است که تصویری از دست‌ها در حال ریسمان بازی‌اند و به نوعی ریسمان‌ها و دست‌ها به هم پیچیده و گره خورده‌اند. این اثر که از تعداد ۳۰ قطعه پدیدآمده با سه متن عکس، نوشتار و حجم به صورت نقش برجسته در ارتباطند، نوشته‌ها خودشان گره‌ای هستند بر کلیت سطح اثر؛ به نوعی در شعارگوئی‌شان تلنگری بر ذهن مخاطب می‌زنند و سؤال‌هایی را مطرح می‌کنند که گویی پاسخش را می‌داند. «صبر کن، صبر کن، صبر کن» «دوباره شروع می‌کنیم.» اثر مریم توکلی، سه قطعه حجم به‌هم‌تنیده و سیاه‌سفید هستند مثل جنینی که در فضای تیره قرار گرفته و آرمیده‌اند، مثل قلب‌هایی که در انتظار پیوندند و انسان‌هایی که



حال دگردیسی هستند هر چه باشند، جسم‌های شناوری هستند که در بخشی از تغییر و تبدیل خود منجمد شده‌اند. این گره‌های تیره میان دو قاب قرمز محصورند و گویی خودشان در تیرگی خودشان مانده‌اند و رها نشده میان آسمان و زمین. اثرسایه ابراهیمی، طناب‌هایی هستند که به صورت زیگزاک و گره‌خورده بر سطح سه کنج دیوار نشسته‌اند و حصاری ساخته‌اند تا صندلی، این وسیله‌استراحت آسانی یا ابزار دست‌ساز آسانی برای استراحت را به بند بکشند و کشیده‌اند. طنابی که خود دیواری شده و صندلی چوبی قدیمی را که بازتابی از گذر زمان است در مرزی قرار داده که اکنون دسترسی به آن امکان ندارد. اثری دیده می‌شود اما دیده نمی‌شود. مرز بین بود و نبود، هست اما دیگر نیست. اثر مولود اتنی‌عشری، نخ‌هایی هستند که از درون قاب‌های کوچکی به زمین کشیده‌شده‌اند، قاب‌هایی که یادآورد زمان‌های از دست‌رفته‌اند. خاصیت عکس یادآوری گشتمست است. هرچه هست ثبت زمانی است که گذشته‌است، مرگ زورهای رفته که اکنون محصور در قاب شده‌اند و گاه با خنده‌شادشدن و محوشدن با نخ‌ی به دست و پاهای زندگی زمینی چسبیده‌اند و با نگاهی متفاوت، گره‌های زندگی، گذشته آسانی را همانند بادکنک‌هایی که نخ آن در دست ماست رها کرده‌اند. راهش‌دگی در عین حال اسیر و در اسارت. اثر لاله آبتی مکعب چوبی است که در درون خود پرده‌ای شفاف و شیری‌رنگ دارد که از میان آن نخ‌های سیاه در شده‌اند. این جسم شفاف که بیشتر نمادی مونث‌گونه است در میان حجم زمخت چارچوب از همه طرف با گره‌ها محصور و بیشتر مغلوب شده‌اند. نخ‌هایی که گاه گسسته و گاه پیوسته‌اند.

در مجموعه نمایشگاه گره در سطحی فرا تر از مرز صراحت‌شان بازی می‌کنند، گاه ناگوارند و گاه خوشایند. هرچه هست در مرز میان گذشته و زمان دیگرند، در بیان مفهوم‌گرایی‌شان قابل‌تامل که ذهن مخاطب را به خود مشغول می‌کند و از این‌رو موفق عمل می‌کند.

گریاس خاکستری

بازدید «معاون» از برتره‌های «مسلمان خوشرو»

مرادخانن: شاهد اتفاقات خوبی برای جوانان خواهیم بود

شرق: علی مرادخانن معاون هنری وزیر ارشاد، احمد مسجدجامعی رییس شورای شهر تهران، ابوالقاسم خوشرو، مجید ملانوروزی مدیرکل مرکز هنرهای تجسیمی و شماری از هنرمندان از نمایشگاه برتره‌های «مسلمان خوشرو» بازدید کردند. مرادخانن پس از بازدید از آثار این هنرمند گفت: «من فکر می‌کنم اتفاقات خوبی در حوزه هنرمندان جوان در حال رخ‌دان است. موج فراینده کیفی و اندیشگی که برای آفرینش‌های هنری ایران یک هوای تازه است، همین نمایشگاه هم نمونه شاخصی از این اتفاق مبارک است، کارهایی که در این نمایشگاه دیدم از نظر شجاعت در رنگ‌گذاری برجسته است به‌ویژه که هنرمند از تکنیک کاردک استفاده کرده که کنترل آن بسیار مشکل است و احتیاج به مهارت دارد.» نمایشگاه نقاشی‌های مسلمان خوشرو تا ۲۱بهمن در گالری طراحان آزاد واقع در میدان فاطمی، میدان گل‌ها، میدان سلماس، پلاک ۵ دایر است.